

روز ملی گل و گیاه مناسبتی شد تا درباره یک اثر معروف با هم حرف بزنیم

# کتابی که پس از نیم قرن جوانه می‌زند

عقاید مال سال‌ها پیش است و معلوم نیست به دست چه کسانی ساخته و پرداخته شده است. اینها دیگر حسابی هم کهنه شده ولی چون تعداد این عقاید و افکار زیاد است و درباره همه چیز هم هست، کمتر اتفاق می‌افتد که کسی آنها را عوض کند یا تغییری درشان بدهد. این بخش به خوبی نشان می‌دهد با چه چیزی روبه‌رو خواهیم شد.

تیستو ترجیح می‌دهد به جای این که دست روی دست بگذارد و تماشاچی باشد و بعدها بابت این که کاری نکرده افسوس بخورد، خودش کاری کند و تغییری که فکر می‌کند لازم است را در دنیا ایجاد کند. این ویژگی، کتاب را به اثری مهم برای کودکان و نوجوانان تبدیل می‌کند. در واقع نویسنده اثر تلاش می‌کند روحیه یک جانشینی را در بچه‌ها از بین ببرد و آنها را از موجوداتی که حاضری خور باشند به موجوداتی پویا و تلاشگر که برای رسیدن به هدفشان از هیچ حرکتی کوتاهی نمی‌کنند، تبدیل کند. این اتفاقی است که یک کتاب می‌تواند بذرش را در ذهن و جان مخاطب بکارد و ثمره‌اش را در سال‌های آینده دید. در واقع سبز انگشتی بودن تیستو از اینجا آغاز می‌شود که زمینه سبز شدن بذر تازه در ذهن مخاطب نوجوانش را فراهم می‌کند. کاری که بسیاری از کتاب‌های فانتزی توانایی آن را ندارند.

موریس دروئون، نویسنده فرانسوی این کتاب که آن را حدود ۶۵ سال قبل نوشته فکر نمی‌کرده روزی در گوشه دیگری از دنیا کتابش خوانده شود و درباره‌اش حرف زده شود. کتابی که سال ۱۳۵۲ ترجمه‌اش به فارسی در ایران منتشر شد و از آن زمان تا امروز نوجوان‌های بسیاری ذهن‌شان با سرانگشتان تیستو سبز شده و جوانه زده است. اثری که گرچه برای مخاطب نوجوان نوشته شده ولی می‌تواند از صفر تا ۱۰۰ سال مخاطب داشته باشد و برای جوانه زدن هیچ زمانی دیر نیست.

تیستو سبز انگشتی تلاش می‌کند تصویر دنیایی سرشار از صلح را برای نوجوان‌ها و دیگران بسازد که در آن توپ‌ها و اسلحه‌ها هم محل امنی برای رشد گل و گیاهان شده است. این کتاب که حالا نزدیک به نیم قرن از ترجمه‌اش به فارسی می‌گذرد، می‌تواند یادمان دهد که چطور آن‌طور که خودمان می‌خواهیم باشیم. تیستو حالا یک انسان ۶۵ ساله است که قدرت جادویی انگشتانش هنوز هم می‌تواند زندگی را تغییر دهد.



نویسنده:

موریس دروئون

مترجم:

لیلی گلستان

انتشارات:

کانون پرورش فکری

۸۸ صفحه

۱۲۰۰۰ تومان

بزرگ بین کشور آنها و کشور همسایه اتفاق بیفتد و پدر تیستو باید کلی توپ و اسلحه برای جنگ بسازد. امروز جنگ، اتفاق عجیبی هر دو کشور را غافلگیر می‌کند.

این خلاصه داستان در واقع مقدمه داستان بلند «تیستو سبز انگشتی» است. کتابی که با ترجمه به یاد ماندنی لیلی گلستان در خاطرم مانده است. کتابی که می‌خواهد دنیا را طور دیگری بسازد و کارش را با کلمات آغاز می‌کند. این کتاب را اغلب در نوجوانی خوانده‌اند ولی به دلیل شهرت بسیارش مخاطبان بزرگسال بسیاری نیز دارد. در واقع آن قدر که بزرگسالان در بزرگسالی خوانده‌اند در نوجوانی خوانده نشده است. کتابی که درباره آدم بزرگ هاست از نگاه یک نوجوان، یک نوجوان غیر معمولی.

اساساً غیر معمولی بودن جرم است و تیستو هم معمولی نیست. او با جملاتی که می‌گوید سعی می‌کند نشان دهد که بزرگ‌ترها چطور فکر می‌کنند و برای اثبات بزرگ‌تری خود دست به چه کارهایی نمی‌زنند. این کتاب از آن کتاب‌هایی نیست که بخواهیم آن را در دسته کتاب‌های مضر برای کودکان قرار دهیم بلکه اتفاقاً به آنها یاد می‌دهد مستقل باشند و خودشان برای درست و غلط امور فکر کنند. «آدم بزرگ‌ها درباره همه چیز فکری از پیش شناخته شده‌ای دارند که وادارشان می‌کند بدون فکر کردن حرف بزنند و می‌دانیم فکری از پیش ساخته شده، عقاید نادرستی بوده است. این

کتاب به قدر کافی مشهور است.

آن قدر که بسیاری که گل و گیاه‌ها به دست‌شان می‌نشینند را سبز انگشتی می‌نامند. تیستو اسم عجیبی است که در هیچ جا، هیچ

کشوری و هیچ کتابی نمی‌توان پیدا کرد. او پسر کوچولویی است که هنگام تولد بزرگ‌تر از یک نان در سبد یک نانو نبود. یک مادر خوانده بالباس آستین بلند و یک پدر خوانده با کلاه سیاه در کلیسا برای او اسم می‌گذارند ولی هیچ‌کس نمی‌تواند نام او را به زبان بیاورد و به این ترتیب او را تیستو صدا می‌کنند. تیستو پسر بچه‌ای کوچک است با انگشتان جادویی. دست‌های تیستو می‌تواند هر گل و گیاهی را رشد دهد و بزرگ و پر از شکوفه و برگ سازد. تیستو در خانواده‌ای ثروتمند به دنیا آمده است. وقتی او را به مدرسه می‌فرستند تا درس بخواند و وقتی بزرگ شد، مدیریت کارخانه ساخت توپ‌های جنگی پدرش را به عهده بگیرد، نمی‌تواند قبول کند که آدم‌ها دنیا را با اعتقاداتی از پیش ساخته شده به او بشناسانند، بنابراین والدینش تصمیم می‌گیرند تعلیم و تربیت او را به

معلم خصوصی بسپارند اما به زودی همه این

داستان‌ها تمام می‌شود، چرا که قرار

است جنگی



برگ سبز و سند کمپانی موتور سیکلت کبیران مدل ۱۳۹۰، به رنگ مشکی، شماره انتظامی ایران ۵۵۵ ۱۸۶۱۴ شماره موتور S1543490، شماره شاسی NCR\*\*\*125K9069507 به نام علی احمدی مقدم مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز خودرو سواری پراید مدل ۸۶ شماره موتور 1855953 شماره شاسی S1412286035922 شماره پلاک ۴۸ ایران ۴۳۶ ب ۵۸ متعلق به غلامعلی عبدی پور مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

سند و فاکتور فروش خودرو ام.وی.ام نیو X33 به شماره شاسی NATGBAXK3G1037268 و شماره موتور MVM484FAFG037236 مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

سند و کارت خودرو سواری پژو پارس، مدل ۸۱، شماره موتور 22828115122، شماره شاسی 81814522 و شماره پلاک ۴۸ ایران ۹۹ د ۶۱۶ متعلق به محمود کوچکی سیاه خاله سر مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

اصل سند شرکت هیوندای، شناسنامه مالکیت، بیمه نامه، کارت خودرو و کارت سوخت خودرو جنسیس، مدل ۲۰۱۳، به رنگ مشکی متالیک، شماره انتظامی ایران ۶۷، ۲۶۱ س ۵۳، شماره موتور G6DKCA90C92 و شماره شاسی KMHJC41k2DU210719 به نام سعید نظامی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز و سند کمپانی و کارت موتور سیکلت آپاچی ۱۶۰cc مدل ۱۳۹۳ به رنگ مشکی و قرمز شماره انتظامی ایران ۶۲۸۴۷۵۹۵ شماره موتور 0E4GD2491743 شماره شاسی N2G\*\*\*160V9310640 به نام غلامرضا میرزا پور مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.